

سیدعلی میر موسوی در گفت و گو با (شهرود):

انباشت نفرت در جوامع، حاصلی جز خشونت ندارد



طرح نو | امیر توحید فاضل | در جوامع امروزی به دلیل افزایش جمعیت و به تبع آن افزایش گرایش های فکری، به طور طبیعی بخش هایی از جامعه ناراضی هایی خواهند داشت. وجود اختلاف نظر و دیدگاه در دنیای مدرن امروز پذیرفته شده، اما شیوه بیان نظر در اکثر جوامع از جمله ایران هنوز موضوع مورد بحث و حتی مناقشه بوده است. این موضوع را با دکتر علی میرموسوی، استاد علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشگاه مفید قم در میان گذاشتیم که حاصل آن گفت و گویی است که می خوانید:

برای شروع لازم است تعریفی از عقلانیت اجتماعی داشته باشیم. در جامعه شناسی تعریف عقلانیت اجتماعی چیست؟

به طور کلی عقلانیت یعنی پیروی و تبعیت از استدلال معتبر. یعنی این که فرد در عملکرد و رفتار خود بر اساس استدلال های معتبر تصمیم گیری و رفتار کند. نقطه مقابل عقلانیت، پیروی کور کورانه و سرسپردگی به یک عقیده و باور بدون استدلال است. در حوزه اجتماعی، وقتی بحث عقلانیت را مطرح می کنیم، باید به ۲ نکته توجه بیشتر داشته باشیم. نخست این که در هر جامعه یک سری اصولی به عنوان اصول عمومی وجود دارد که فراتر از برداشته ها و افکاری است که به طور خاص افراد به آن اعتقاد دارند. در هر اجتماعی افراد ممکن است باورهای متفاوتی داشته باشند. بعضی ها مذهبی هستند و عده ای این گونه نیستند. افکار و اعمال افراد نیز به لحاظ فرهنگی تفاوت دارد. اما یک سری اصول مشترک در هر جامعه ای وجود دارد که مورد پذیرش عموم است. بنابراین عقلانیت به این معنی است که افراد اعمال و رفتار خود را بر اساس اصول عمومی مشترک و مورد پذیرش همه جامعه تنظیم و توجیه کنند. نکته بعدی محاسبه فایده و هزینه و به عبارت بهتر محاسبه سود و زیان رفتار و عملکردهاست. از این منظر، عقلانیت یعنی این که کاری را انجام دهیم که در مجموع هزینه کمتری داشته و فایده و سود بیشتری را نصیب ما کند. برای تحقق این مهم، پیش از هر کاری ابتدا باید فواید و هزینه های آن عمل بدرستی محاسبه شود. مجموع این رفتارها را در جامعه شناسی، عقلانیت در عرصه اجتماع می نامیم. از منظر دینی نیز در ادبیات دینی ما در مقابل عقلانیت، بحث سفیهانه مطرح می شود.

تحمیل یک باور بدون استدلال های مورد پذیرش جامعه و بدون توجه به هزینه هایی که به زندگی اجتماعی مردم تحمیل می کند نیز به معنی عدم عقلانیت اجتماعی است.

در تعریف از عقلانیت اجتماعی گفتید که رفتارها باید متناسب با اصول مورد پذیرش عموم جامعه باشد. حال تکلیف افرادی که نسبت به این اصول انتقاد و اشکال دارند، چیست؟

در اعتراض و انتقاد اجتماعی هرگز نمی توانیم شرایط تاریخی و فرهنگی آن جامعه را نادیده بگیریم. اساسا عقلانیت به ویژه وقتی بحث عقلانیت اجتماعی را مطرح می کنیم، باید بدانیم که این امر تابع محیط و فرهنگ یک جامعه است. از سوی دیگر، وقتی جامعه ای اصولی را پذیرفته و این اصول مشترک به طور عمومی مورد احترام قرار دارد، درون خود زمینه هایی برای نقادی را هم فراهم می کند. از آنجایی که جوامع همیای تحولات روز تغییر می کنند، همواره زمینه هایی را برای نقادی و حتی نقد اصول مشترک و پذیرفته شدن عمومی فراهم می کنند. بنابراین برای نقد این اصول نیز باید از ابزارها و امکاناتی که درون آن فرهنگ قرار دارد، به عنوان نمونه، در فرهنگ اسلامی، زمینه هایی برای نقادی فراهم شده است. مانند بحث اجتهاد در فرهنگ شیعی که زمینه های جدی برای نقادی را فراهم کرده

است. سیستم یک باور خاص است، عمل کنیم، رفتار ما نباید در چارچوب یک ایدئولوژی بدون چون و چرا قرار گیرد. به بیان بهتر، خوب است در بحث عقلانی سازی شیوه های اعتراض در یک جامعه ابتدا خودمان از هزینه های رفتاری برای عقلانیت افراطی گری مطلع شده و مردم را نیز آگاه سازیم. به نکته مهمی اشاره کردید. به طور قطع

است. **در چه شرایطی نقدها و اعتراض ها از چارچوب عقلانیت خارج می شود؟**

اگر یک عمل و رفتاری را من فقط بر اساس اصول مورد پذیرش خودم در جامعه مطرح کرده و به اصول مشترک اجتماع بی توجه باشیم، به نوعی در چارچوب رفتارهای ایدئولوژیک گرفتار شده ام. یکی از نقطه های مقابل عقلانیت، ایدئولوژی است. تفکر ایدئولوژیک، تفکری است که در چارچوب اصول و باورهای مورد پذیرش یک بخش و توجیه گروه خاص مورد پذیرش قرار گرفته و توجیه می شود. در حالی که تفکر عقلانی بر اساس اصول عام و مشترک جامعه ترویج می شود. از سوی دیگر تفکر ایدئولوژیک، تفکری است بسته و محدود که از سوی عده ای خاصی تفسیر و ترویج می شود و جای چون و چرا ندارد. اما در مقابل تفکر عقلانی در چارچوب اصول عام و قابل نقد استوار است. ما اگر در تفکر و رفتار خود در چارچوب رفتارهای ایدئولوژیک گرفتار شدیم، از رفتارهای عقلانی فاصله گرفته ایم. **فکر می کنید برای ترویج عقلانیت اجتماعی به ویژه عقلانی سازی راهکارهایی را مدنظر قرار دهیم؟**

ابتدا باید به ابعاد مختلف تحقق عقلانیت در یک جامعه توجه کنیم. نخستین مورد، پایبندی به استدلال است. ما باید از تبعیت کورکورانه از عقاید بی استدلال پرهیز کنیم و در عرصه عمل اجتماعی، هزینه ها، فایده ها و سود و زیان ها را در نظر بگیریم و بر اساس اصول مشترکی که فراتر از سیستم یک باور خاص است، عمل کنیم. رفتار ما نباید در چارچوب یک ایدئولوژی بدون چون و چرا قرار گیرد. به بیان بهتر، خوب است در بحث عقلانی سازی شیوه های اعتراض در یک جامعه ابتدا خودمان از هزینه های رفتاری برای عقلانیت افراطی گری مطلع شده و مردم را نیز آگاه سازیم. به نکته مهمی اشاره کردید. به طور قطع

است. **در چه شرایطی نقدها و اعتراض ها از چارچوب عقلانیت خارج می شود؟**

اگر یک عمل و رفتاری را من فقط بر اساس اصول مورد پذیرش خودم در جامعه مطرح کرده و به اصول مشترک اجتماع بی توجه باشیم، به نوعی در چارچوب رفتارهای ایدئولوژیک گرفتار شده ام. یکی از نقطه های مقابل عقلانیت، ایدئولوژی است. تفکر ایدئولوژیک، تفکری است که در چارچوب اصول و باورهای مورد پذیرش یک بخش و توجیه گروه خاص مورد پذیرش قرار گرفته و توجیه می شود. در حالی که تفکر عقلانی بر اساس اصول عام و مشترک جامعه ترویج می شود. از سوی دیگر تفکر ایدئولوژیک، تفکری است بسته و محدود که از سوی عده ای خاصی تفسیر و ترویج می شود و جای چون و چرا ندارد. اما در مقابل تفکر عقلانی در چارچوب اصول عام و قابل نقد استوار است. ما اگر در تفکر و رفتار خود در چارچوب رفتارهای ایدئولوژیک گرفتار شدیم، از رفتارهای عقلانی فاصله گرفته ایم. **فکر می کنید برای ترویج عقلانیت اجتماعی به ویژه عقلانی سازی راهکارهایی را مدنظر قرار دهیم؟**

ابتدا باید به ابعاد مختلف تحقق عقلانیت در یک جامعه توجه کنیم. نخستین مورد، پایبندی به استدلال است. ما باید از تبعیت کورکورانه از عقاید بی استدلال پرهیز کنیم و در عرصه عمل اجتماعی، هزینه ها، فایده ها و سود و زیان ها را در نظر بگیریم و بر اساس اصول مشترکی که فراتر از سیستم یک باور خاص است، عمل کنیم. رفتار ما نباید در چارچوب یک ایدئولوژی بدون چون و چرا قرار گیرد. به بیان بهتر، خوب است در بحث عقلانی سازی شیوه های اعتراض در یک جامعه ابتدا خودمان از هزینه های رفتاری برای عقلانیت افراطی گری مطلع شده و مردم را نیز آگاه سازیم. به نکته مهمی اشاره کردید. به طور قطع

و به عبارت بهتر، واقع گرایی در تحلیل مسائل اجتماعی است. به طور قطع، هر جامعه ای دارای شرایط و محدودیت های تاریخی است و نمی تواند ناگهانی و یک شبه از این محدودیت ها عبور کند. برخی از جامعه شناسان معتقدند که شرایط خاص تاریخی یک جامعه را نمی توان به طور ناگهانی و یکباره تغییر داد و تلاش در این جهت برخلاف عقلانیت است. نکته مهم دیگر، جلوگیری از انباشت نفرت در جامعه است. تلاش در جهت جلوگیری از انباشت نفرت، یکی از وظایف مهم حاکمیت ها در دنیای امروز بوده و حاکمان باید در رفتار خود از تأکید بر مسائلی که حاصلی غیر از نفرت ندارد، پرهیز کنند. به عنوان نمونه در مسائل اخیر فرانسه شاهد بودیم که یک نشریه بر انتشار کاریکاتورهای توهین آمیز تأکید کرد که این کاریکاتورها موجب نفرت در بخشی از جامعه فرانسه شد. این نفرت وقتی در یک باز زمانی انباشته می شود، حاصلی غیر از خشونت نخواهد داشت. یعنی آنچه که در روزهای اخیر در فرانسه شاهد بودیم، این رخدادها بار دیگر ثابت کرد که انباشت نفرت حاصلی غیر از خشونت ندارد و خشونت نقطه متضاد عقلانیت است.

نکته دیگر، جایگزینی رقابت و همکاری به جای ستیز و تقابل است. ما با رفتارهای خود به ویژه در حوزه سیاسی نباید با گروه های مخالف به ستیز و تقابل بپردازیم بلکه باید راهکارهای رقابت و همکاری، ترویج و نهادینه شود.

شما فکر می کنید این شرایط در جامعه ما فراهم شده است؟

در طول بیش از ۱۰۰ سال اخیر در جامعه ما سنت ها و فرهنگ هایی شکل گرفته و به مرور تقویت شده است. به طور ویژه از دوران مشروطه تا امروز ما در یک فرایند آزمون و خطا و کسب تجربه های جدید قرار گرفته ایم. این چشم انداز مثبتی را به تصویر می کشد. این فرایند زمینه را برای یک نوع عقلانیت اجتماعی فراهم آورده است. اما همچنان نیاز به مقدمات و فرهنگ سازی بیشتری داریم. برای فراهم سازی این شرایط باید اقداماتی را انجام دهیم که مهم ترین آن در چارچوب ترویج و گسترش آزادی بیان و اندیشه است. از سوی دیگر، در جامعه ما یک سری نیروهای افراطی وجود دارند که می خواهند نقش پلیس افکار را بازی کنند و افکار افراد را کاتنازه کنند. البته ما نمی توانیم این افراد را به طور کامل در هر جامعه ای حذف کنیم ولی بیش از سهم و وزن خود نباید در جامعه جایگاه و امتیاز داشته باشیم. یکی دیگر از نیازهای ما قطعاً رانت های ایدئولوژیک است. متأسفانه یک سری از نهادها از بودجه های عمومی استفاده می کنند که در راستای تبلیغ طرز تفکری عمل می کنند که از دید بخش قابل توجهی از جامعه ما مورد پذیرش نیست.

همچنین برای عقلانی سازی شیوه های اعتراضی، وجود فعالیت نهادهای مدنی آزاد بسیار حیاتی است و ضروری است. ما به جای این که از طریق رسانه های رسمی یک تفکر و اندیشه را به جامعه دیکته کنیم، می توانیم این افکار را به وسیله نهادهای مدنی آزاد در جامعه تبیین و ترویج کنیم. تجربه نشان می دهد که راه کار فرهنگ از طریق نهادهای رسمی فرهنگ سازی شود، جواب منفی داده است. در دهه های ۲۰ و ۳۰ کانونی ایران شکل گرفت به نام کانون پرورش افکار. این کانون، وظیفه گسترش یک تفکر خاص را بر عهده داشت. حاکمیت وقت می خواست به وسیله ابزارهایی مانند کانون پرورش افکار، تجسد آمرانه را در جامعه ترویج کند اما نتیجه معکوس داد و بیشتر اندیشه های اسلامی در جامعه تقویت شد. به هر حال با توجه به تجربه های تاریخی و توسعه فکری جامعه امروز ایران، زمینه های مثبتی را برای عقلانی سازی شیوه های اعتراضی شاهد هستیم و باید به آینده امیدوار باشیم.

تلاش در جهت جلوگیری از انباشت نفرت، یکی از وظایف مهم حاکمیت ها در دنیای امروز بوده و حاکمان باید در رفتار خود از تأکید بر مسائلی که حاصلی غیر از نفرت ندارد، پرهیز کنند. به عنوان نمونه در مسائل اخیر فرانسه شاهد بودیم که یک نشریه بر انتشار کاریکاتورهای توهین آمیز تأکید کرد که این کاریکاتورها موجب نفرت در بخشی از جامعه فرانسه شد

است بازگردیم به بحث اصلی و راهکارهای عقلانی سازی اعتراض های اجتماعی... با توجه به تعریفی که از افراطی گری ارائه شد، اگر بتوانیم در یک جامعه هزینه های افراطی گری را به درستی محاسبه و تبیین کنیم، آن جامعه از رفتارهای افراطی پرهیز کرده و به عقلانی خود به سمت رفتارهای عقلانی هدایت می شود. در علوم اجتماعی وقتی بحث انقلاب مطرح می شود، می گویند انقلاب، پرهزینه ترین راه توسعه است. به عبارتی، انقلاب یکی از راه های دستیابی به توسعه به ویژه توسعه سیاسی مورد پذیرش جامعه شناسان است، اما این راه هزینه های بسیار بالایی را به جامعه تحمیل می کند. به همین دلیل در شرایط عادی هرگز برای دستیابی به توسعه، انقلاب توصیه نمی شود. مگر آن که آن جامعه مانند ایران در دوره پهلوی راهی برای اصلاح نداشته باشد. یکی دیگر از عوامل عقلانی سازی اعتراض های اجتماعی، پرهیز از آرمان گرایی

موازی با توسعه سیاسی، اجتماعی و رخ می دهد و عامل حرکت رو به جلوی آن جامعه را فراهم می آورد. در چنین جامعه ای، تخصیص منابع به درستی انجام گرفته و در نهایت نیز عوامل ارتقای فرهنگ، هنر و کیفیت زندگی، نتوانسته توسعه فرهنگی را نیز به دنبال خود داشته باشد و کالاهای تجملی جایگزین کالاهای فرهنگی شده و عقلانیت به لایه های زیرین جامعه رسوب کرده است. عدم حضور عقلانیت، عامل شکل دهی به جامعه بیماری شده که در آن تمامی اتفاقات بر اساس خواست فردی و دخالت های ناجا صورت می گیرد. اما هرگز نمی توان گفت در جامعه ما و عملکرد افراد عقلانیت وجود ندارد، بلکه مشکل اصلی در این است

دیدگاه

جای خالی عقلانیت و رحمانیت اسلام در افراطی گری

دارد. همان طور که جهان اسلام مستولیت عملیات های تروریستی و گروه های تکفیری مثل داعش را هیچ گاه بر عهده نمی گیرد چون اساسا این گروه ها در کی بنیان های آموزه های اسلام ندارند و همه فعالیت هایشان بر اساس افراطی گری و فتنه انگیزی و تفرقه افکنی است.

فکر کردن و اندیشیدن در یک عرصه منطقی- همچنان که یکی از اساسی ترین اهداف قرآن، نجات جامعه از هرج و مرج و پلاتکلیفی هایش بوده - منشی است که اسلام بر آن تأکید دارد. در زمان جاهلیت، وقتی یک نفر از قبیله ای کشته می شد، مردم قبیله برای اعتراض حمله می کردند و به جای یک نفر، ۱۰ نفر را می کشتند اما با ظهور اسلام این برخوردهای غیرعقلانی نپوشید و همان طور که می دانید در دین مبین ما آمده است که هر کسی مسئولیت عمل خود را بر عهده دارد و نمی توان بدون منطق، گروه یا افرادی را مجازات کرد.

هر معلولی دارای علت های مختلفی است. بحث اول این است که امروز باید در جامعه بین الملل رحمانیت، عقلانیت و انسانیت و ارزش گذاری های اسلام نسبت به انسان مطرح و پرورش یابد تبیین شود. مساله دیگر، قانونمداری است.

در جامعه باید قانون حاکم باشد و هیچ کسی به خود اجازه ندهد که برخلاف قانون عمل کند. احترام به قانون و قانونمداری بر همگان به عنوان یک وظیفه شناخته و عمل شود. هیچ فرد و گروهی حق ندارد مستقیماً و مستقلاً کاری را انجام دهد که وظیفه او نیست. هر اعتراضی باید با ساز و کار منطقی صورت گیرد.

در زمان پیامبر اسلام(ص) یعنی زمانی که ایشان حی و حاضر بودند، بسیار پیش آمد که به ایشان اهانت شد؛ به خود و به خانواده شان. باید ببینیم زمانی که خاکروبه بر سرشان ریختند واکنش ایشان چه بوده است؟

بر این اساس همه مسلمانان وظیفه دارند از رفتار بزرگان دین تبعیت کنند. ما باید بدانیم در هر موقعیتی چگونه رفتار کنیم که از تکرار هر اهانتی خودداری شود.

بنابراین بر اساس آموزه های دین اسلام در پاسخ به اهانت و توهین نباید تعقل و منطق را فراموش کرد و واکنش افراطی و مقابله به مثل نشان داد؛ به بیان دیگر نمی توان ضرر را با ضرر جبران کرد. مثلاً وقتی کسی به خود رو شما صدمه ای وارد می کند، شما نمی روید شیشه خانه اش را برای تلافی بشکنید.

این واکنش عقلانی نیست. به همین ترتیب افراط گراییان همواره به دنبال گل لود کردن آب برای ماهی گرفتن خودشان هستند و تلاش می کنند راه های عقلانی و صحیح واکنشی را تحت الشعاع قرار دهند و به نوعی دیگران را هم با خود همراه کرده و جریان سازی کنند.

در زمان حضرت علی(ع)، در جنگ جمل گروهی فتنه انگیز در میان دو گروه درگیر جنگ ایجاد فتنه کردند و هدفشان این بود که روش های عقلانی و مسالمت آمیز را به هم بزنند و به اهداف خود برسند. عقلانیت در برخوردهای اعتراضی ضرورت

یافتن می تواند نقش مهمی داشته باشد. به عنوان مثال، در زمان پیامبر اسلام(ص) یعنی زمانی که ایشان حی و حاضر بودند، بسیار پیش آمد که به ایشان اهانت شد؛ به خود و به خانواده شان. باید ببینیم زمانی که خاکروبه بر سرشان ریختند واکنش ایشان چه بوده است؟

بر این اساس همه مسلمانان وظیفه دارند از رفتار بزرگان دین تبعیت کنند. ما باید بدانیم در هر موقعیتی چگونه رفتار کنیم که از تکرار هر اهانتی خودداری شود.

بنابراین بر اساس آموزه های دین اسلام در پاسخ به اهانت و توهین نباید تعقل و منطق را فراموش کرد و واکنش افراطی و مقابله به مثل نشان داد؛ به بیان دیگر نمی توان ضرر را با ضرر جبران کرد. مثلاً وقتی کسی به خود رو شما صدمه ای وارد می کند، شما نمی روید شیشه خانه اش را برای تلافی بشکنید.

این واکنش عقلانی نیست. به همین ترتیب افراط گراییان همواره به دنبال گل لود کردن آب برای ماهی گرفتن خودشان هستند و تلاش می کنند راه های عقلانی و صحیح واکنشی را تحت الشعاع قرار دهند و به نوعی دیگران را هم با خود همراه کرده و جریان سازی کنند.

در زمان پیامبر اسلام(ص) یعنی زمانی که ایشان حی و حاضر بودند، بسیار پیش آمد که به ایشان اهانت شد؛ به خود و به خانواده شان. باید ببینیم زمانی که خاکروبه بر سرشان ریختند واکنش ایشان چه بوده است؟



جلال جلالی زاده
استاد دانشگاه

مفهوم عقلانیت، کاربردهای فراوانی دارد و در حوزه های گوناگون به کار می رود و بر اساس موقعیت ها معانی مختلفی پیدا می کند. شاید بتوان با استقراء حوزه هایی که واژه عقلانیت در آنها به کار رفته یک معنای جامع برای آن بر شمرد. با این حال عقلانیت بر اساس انواع مختلف استدلال، مفاهیم مختلفی خواهد یافت.

اگر بخواهیم عقلانیت را نسبت به افراطی گری و روش هایی که نشأت گرفته از هیجانات افراط گراییانه است تعریف کنیم، مفهوم منطق و تعقل برای هر کنش و واکنش مطرح می شود. اگر به قرآن و سنت پیامبر(ص) مراجعه کنیم، می بینیم که در تمام سفارشات دینی مان بر عقلانیت و کنش و واکنش عقلانی تأکید و گفته شده است، هر اعتراضی باید با برهان و دلیل بر دوش خواهد کشید.

دین اسلام دینی مبتنی بر عقلانیت و به دور از افراط و تفریط است. آیهای در قرآن کریم وجود دارد به این مضمون که ما شما را امت میانه قرار دادیم تا شاهد و الگو باشید برای ملت ها و برای جوامع دیگر. همکاری، ترویج و نهادینه شود.

شما فکر می کنید این شرایط در جامعه ما فراهم شده است؟

در طول بیش از ۱۰۰ سال اخیر در جامعه ما سنت ها و فرهنگ هایی شکل گرفته و به مرور تقویت شده است. به طور ویژه از دوران مشروطه تا امروز ما در یک فرایند آزمون و خطا و کسب تجربه های جدید قرار گرفته ایم. این چشم انداز مثبتی را به تصویر می کشد. این فرایند زمینه را برای یک نوع عقلانیت اجتماعی فراهم آورده است. اما همچنان نیاز به مقدمات و فرهنگ سازی بیشتری داریم. برای فراهم سازی این شرایط باید اقداماتی را انجام دهیم که مهم ترین آن در چارچوب ترویج و گسترش آزادی بیان و اندیشه است. از سوی دیگر، در جامعه ما یک سری نیروهای افراطی وجود دارند که می خواهند نقش پلیس افکار را بازی کنند و افکار افراد را کاتنازه کنند. البته ما نمی توانیم این افراد را به طور کامل در هر جامعه ای حذف کنیم ولی بیش از سهم و وزن خود نباید در جامعه جایگاه و امتیاز داشته باشیم. یکی دیگر از نیازهای ما قطعاً رانت های ایدئولوژیک است. متأسفانه یک سری از نهادها از بودجه های عمومی استفاده می کنند که در راستای تبلیغ طرز تفکری عمل می کنند که از دید بخش قابل توجهی از جامعه ما مورد پذیرش نیست.

همچنین برای عقلانی سازی شیوه های اعتراضی، وجود فعالیت نهادهای مدنی آزاد بسیار حیاتی است و ضروری است. ما به جای این که از طریق رسانه های رسمی یک تفکر و اندیشه را به جامعه دیکته کنیم، می توانیم این افکار را به وسیله نهادهای مدنی آزاد در جامعه تبیین و ترویج کنیم. تجربه نشان می دهد که راه کار فرهنگ از طریق نهادهای رسمی فرهنگ سازی شود، جواب منفی داده است. در دهه های ۲۰ و ۳۰ کانونی ایران شکل گرفت به نام کانون پرورش افکار. این کانون، وظیفه گسترش یک تفکر خاص را بر عهده داشت. حاکمیت وقت می خواست به وسیله ابزارهایی مانند کانون پرورش افکار، تجسد آمرانه را در جامعه ترویج کند اما نتیجه معکوس داد و بیشتر اندیشه های اسلامی در جامعه تقویت شد. به هر حال با توجه به تجربه های تاریخی و توسعه فکری جامعه امروز ایران، زمینه های مثبتی را برای عقلانی سازی شیوه های اعتراضی شاهد هستیم و باید به آینده امیدوار باشیم.

تلاش در جهت جلوگیری از انباشت نفرت، یکی از وظایف مهم حاکمیت ها در دنیای امروز بوده و حاکمان باید در رفتار خود از تأکید بر مسائلی که حاصلی غیر از نفرت ندارد، پرهیز کنند. به عنوان نمونه در مسائل اخیر فرانسه شاهد بودیم که یک نشریه بر انتشار کاریکاتورهای توهین آمیز تأکید کرد که این کاریکاتورها موجب نفرت در بخشی از جامعه فرانسه شد

است بازگردیم به بحث اصلی و راهکارهای عقلانی سازی اعتراض های اجتماعی... با توجه به تعریفی که از افراطی گری ارائه شد، اگر بتوانیم در یک جامعه هزینه های افراطی گری را به درستی محاسبه و تبیین کنیم، آن جامعه از رفتارهای افراطی پرهیز کرده و به عقلانی خود به سمت رفتارهای عقلانی هدایت می شود. در علوم اجتماعی وقتی بحث انقلاب مطرح می شود، می گویند انقلاب، پرهزینه ترین راه توسعه است. به عبارتی، انقلاب یکی از راه های دستیابی به توسعه به ویژه توسعه سیاسی مورد پذیرش جامعه شناسان است، اما این راه هزینه های بسیار بالایی را به جامعه تحمیل می کند. به همین دلیل در شرایط عادی هرگز برای دستیابی به توسعه، انقلاب توصیه نمی شود. مگر آن که آن جامعه مانند ایران در دوره پهلوی راهی برای اصلاح نداشته باشد. یکی دیگر از عوامل عقلانی سازی اعتراض های اجتماعی، پرهیز از آرمان گرایی

موازی با توسعه سیاسی، اجتماعی و رخ می دهد و عامل حرکت رو به جلوی آن جامعه را فراهم می آورد. در چنین جامعه ای، تخصیص منابع به درستی انجام گرفته و در نهایت نیز عوامل ارتقای فرهنگ، هنر و کیفیت زندگی، نتوانسته توسعه فرهنگی را نیز به دنبال خود داشته باشد و کالاهای تجملی جایگزین کالاهای فرهنگی شده و عقلانیت به لایه های زیرین جامعه رسوب کرده است. عدم حضور عقلانیت، عامل شکل دهی به جامعه بیماری شده که در آن تمامی اتفاقات بر اساس خواست فردی و دخالت های ناجا صورت می گیرد. اما هرگز نمی توان گفت در جامعه ما و عملکرد افراد عقلانیت وجود ندارد، بلکه مشکل اصلی در این است

ادامه از صفحه ۹

عقلانیت، اصل است

اگر علمی و عقلانی نکنیم - که نمی کنیم - اولین حادثه زبان رسانی که به آن گرفتار می شویم، این است که اعتراض را با تفکر اشتباه می گیریم. احساس می کنیم هر کسی اعتراض می کند، مهم است. در چنین شرایطی باید دقت کنیم که هر اعتراضی را با تفکر و عقلانیت اشتباه بگیریم. عقلانیت، اصل است. اعتراض بر اساس عقل ارزش دارد و خرد پسند اتفاق این است که اعتراض، خودش فضیلت می شود و هر که مشت بلند کند و فحش دهد می شود آدم حساسی. اعتراض و مخالفت را



شهرام اقبال زاده

پژوهشگر و منتقد فرهنگی

خواج عبدالله انصاری، شاعر و متفکر بزرگ ایران زمین، جمله ای دارد که موقله عقلانیت را می توان در آن خلاصه کرد. او می گوید: «خدا، کسی را که عقل دادی، چه چیزی ندادی و کسی که عقل ندادی، چه چیزی دادی؟» در جمله این عالم، می توان قدرت عقلانیت و اثرات آن را بر زیست انسان ها یافت و در حقیقت نبود آن را مصادف با نبود تمام چیزها دانست. قوه فاهمه ما عقل، حوزه ای است که باید توان تجزیه و تحلیل مسائل را در آن جست و توسط آن، به درک مفهومی و قدرت انتزاع دست یافت. راه های دستیابی به این قدرت نیز استقرایی و قیاسی است. اما در زمینه عقلانیت نکته دیگری نیز جایز اهمیت است و آن هم استفاده از مقیاس های ملی و بین المللی برای این امر است و عقلانیت، چراغ

عقلانیت؛ پایه توسعه یافتگی

راه نمایی است که بتوانیم از تجربیات گسترده و در مقیاس جهانی بهره بگیریم. ممکن است ما میراث دار ارثی باشیم و با بی عقلی از آن بهره نبرده و آن را زایل کنیم. همچنین ممکن است در شرایطی قرار داشته باشیم که هیچ میراث با ارزشی برایمان نمانده اما با استفاده از قدرت فاهمه و عقل و با عملکرد درست، بهترین زیست را تجربه کنیم. اما وجود عقلانیت در دنیای مدرن خود را بیش از پیش به رخ می کشد و عدم استفاده از آن نیز می تواند عواقب جبران ناپذیری در پی داشته باشد. جامعه ای که در آن از قدرت جامعه مدنی، اندیشمندان و مطبوعات به درستی استفاده می کند، جامعه ای است که در آن توسعه همه جانبه به وقوع می پیوندد و نتیجه تمامی اتفاقات بر محور عقلانیت پردازش می شود. در چنین جامعه ای توسعه فرهنگی،